

موضوع	زندگی بر روی میسی سیپی
مؤلف	مارک تواین
مترجم	ابوالقاسم حالت
تعداد صفحات	۲۷۷
سال انتشار	۱۳۹۶
شابک	۹۷۸۹۶۴۰۰۰۰۰۰۰۰
سازمان انتشار	سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
آدرس	تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰، طبقه ۱۰
تلفن	۰۲۱۸۸۰۰۰۰۰۰
وبسایت	www.mtpi.ir

روایتی از زندگی مارک تواین
 در سال ۱۸۶۵ میلادی
 در میسیسیپی

زندگی بر روی میسی سیپی

زندگی بر روی میسی سیپی، یکی از بهترین و جذاب‌ترین آثار مارک تواین است که در سال ۱۸۶۵ میلادی در میسیسیپی نوشته شد. این کتاب به گونه‌ای نوشته شده که خواننده را به دنیای مارک تواین در آن زمان و آن مکان می‌برد. این کتاب یکی از بهترین و جذاب‌ترین آثار مارک تواین است که در سال ۱۸۶۵ میلادی در میسیسیپی نوشته شد.

مترجم

ابوالقاسم حالت

ابوالقاسم حالت، مترجم این کتاب است. این کتاب یکی از بهترین و جذاب‌ترین آثار مارک تواین است که در سال ۱۸۶۵ میلادی در میسیسیپی نوشته شد. این کتاب به گونه‌ای نوشته شده که خواننده را به دنیای مارک تواین در آن زمان و آن مکان می‌برد. این کتاب یکی از بهترین و جذاب‌ترین آثار مارک تواین است که در سال ۱۸۶۵ میلادی در میسیسیپی نوشته شد.



۱۳۹۶

فهرست مطالب

- فصل اول: رودخانه میسی سیپی و تاریخ آن ۱
- فصل دوم: رود میسی سیپی و کاشفان آن ۱۱
- فصل سوم: تصاویری از گذشته ۱۹
- فصل چهارم: جاه طلبی جوانان ۳۷
- فصل پنجم: می خواهم یک «نوجه راننده» باشم ۴۳
- فصل ششم: تجربه یک «نوجه راننده» ۴۹
- فصل هفتم: یک کار دلیرانه ۵۹
- فصل هشتم: درس های گیج کننده ۶۷
- فصل نهم: گیجی های دنباله دار ۷۵
- فصل دهم: تکمیل تحصیلات ۸۳
- فصل یازدهم: آب رودخانه بالا می آید ۹۱
- فصل دوازدهم: عمق پیمایی ۹۹
- فصل سیزدهم: احتیاجات یک راننده کشتی ۱۰۷

- فصل چهاردهم: درجه و مقام راندگی کشتی ۱۱۷
- فصل پانزدهم: انحصار راننده کشتی ۱۲۵
- فصل شانزدهم: روزهای مسابقه ۱۳۹
- فصل هفدهم: استیفن و میان برها ۱۵۳
- فصل هیجدهم: چند درس دیگر می گیرم ۱۶۳
- فصل نوزدهم: من و براون تعارفات ردوبدل می کنیم ۱۷۱
- فصل بیستم: یک حادثه ناگوار ۱۷۷
- فصل بیست و یکم: یک قسمت از شرح حال من ۱۸۵
- فصل بیست و دوم: به موضوع خود برمی گردم ۱۸۷
- فصل بیست و سوم: مسافر ناشناس ۱۹۷
- فصل بیست و چهارم: ماسک من متلاشی شد ۲۰۱
- فصل بیست و پنجم: از کی رو تا هیکن ۲۰۹
- فصل بیست و ششم: در زیر باران گلوله ۲۱۷
- فصل بیست و هفتم: بعضی از مقالات وارده ۲۲۵
- فصل بیست و هشتم: عمو مامفورد بار خود را خالی می کند ۲۳۱
- فصل بیست و نهم: آجرهای نمونه ۲۴۳
- فصل سی ام: حکایت های کوچک ضمنی ۲۵۵
- فصل سی و یکم: اثر انگشت و نتیجه آن ۲۶۵
- فصل سی و دوم: از دست دادن گنج ۲۸۳
- فصل سی و سوم: غذاهای روحی و جسمی ۲۸۹
- فصل سی و چهارم: حرف های باور نکردنی ۲۹۵
- فصل سی و پنجم: ویکسبرگ در دوره سختی ۲۹۹
- فصل سی و ششم: داستان استاد دانشگاه ۳۰۹
- فصل سی و هفتم: نابودی کشتی گلداست ۳۱۷

- فصل سی و هشتم: خانه زیبا ۳۱۹
- فصل سی و نهم: مصنوعات و بدکاران ۳۲۷
- فصل چهل و یکم: فرهنگ ۳۳۵
- فصل چهل و دویم: مرکز جنوب ۳۴۱
- فصل چهل و سوم: بیداشت و احساسات ۳۴۷
- فصل چهل و چهارم: مناظر شهر ۳۵۳
- فصل چهل و پنجم: تفریحات جنوبی ها ۳۶۷
- فصل چهل و ششم: افسون و افسونگران ۳۷۷
- فصل چهل و هفتم: عمو رموس و آقای کیل ۳۸۳
- فصل چهل و هشتم: قندوشکر و تمبر پست ۳۸۷
- فصل چهل و نهم: رویدادهایی در زندگی راننده کشتی ۳۹۵
- فصل پنجاهم: قهرمانان اصلی ۴۰۳
- فصل پنجاه و یکم: خاطرات ۴۰۹
- فصل پنجاه و دوم: یک داغ سوزان ۴۱۷
- فصل پنجاه و سوم: خانه دوره کودکی من ۴۳۱
- فصل پنجاه و چهارم: گذشته و حال ۴۳۷
- فصل پنجاه و پنجم: انتقام و چیزهای دیگر ۴۴۷
- فصل پنجاه و ششم: یک مسئله حقوقی ۴۵۵
- فصل پنجاه و هفتم: یک فرشته بزرگ ۴۶۱
- فصل پنجاه و هشتم: در قسمت شمالی رودخانه ۴۶۹
- فصل پنجاه و نهم: افسانه ها و مناظر ۴۷۷
- فصل شصتم: تحقیقات و پایان تحقیقات ۴۸۷
- فصل شصت و یکم ۴۹۷

فصل چهاردهم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل پانزدهم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل شانزدهم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل هفدهم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل هیجدهم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل نوزدهم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیستم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیست و یکم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیست و دوم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیست و سوم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیست و چهارم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیست و پنجم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیست و ششم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیست و هفتم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیست و هشتم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیست و نهم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و یکم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و دوم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و سوم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و چهارم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و پنجم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و ششم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و هفتم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و هشتم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و نهم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و دهم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل چهاردهم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل پانزدهم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل شانزدهم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل هفدهم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل هیجدهم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل نوزدهم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیستم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیست و یکم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیست و دوم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیست و سوم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیست و چهارم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیست و پنجم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیست و ششم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیست و هفتم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیست و هشتم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل بیست و نهم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و یکم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و دوم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و سوم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و چهارم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و پنجم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و ششم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و هفتم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و هشتم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و نهم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

فصل سی و دهم در شرح و تفسیر... ۲۱۷

مقدمه

یادگیری بر روی میسی سیبی عنوان کتابی است که در دست شماست. اما من این عنوان را نمی پسندم؛ زیرا ممکن است شما را به شبهه اندازد و گمان کنید شایقی جغرافیا یا سفرنامه سرور کار دارید. اما این طور نیست و این کتاب، در حقیقت مجموعه‌ای از لطایف و ظرایف است.

در دهکدهٔ هانیبال، زادگاه مارک تواین، که بر ساحل میسی سیبی است، هر وقت یک کشتی بخاری لنگر می انداخت، اغلب اهالی در کنار رود اجتماع می کردند و بدان کشتی، مخصوصاً اگر کشتی مجلل و باشکوهی بود، به دیدهٔ حسرت می نگریستند و مسافران و کارکنان کشتی را از خوشبخت ترین مردم جهان می شمردند و به حال آنان رشک می بردند.

در چنین وضعی، جوانان دهکده، که به علت جوانی شور و شوق بیشتری داشتند و می خواستند کار پردرآمد و افتخار آمیزی را پیشه سازند، اغلب در صدآن بودند که شغلی در یک کشتی بخاری به دست آورند. مارک تواین هم، که جوان بود و جویای نام، همین اشتیاق را داشت؛ از این رو، چند بار کوشید که در صف کارکنان کشتی برای خود جایی باز کند؛ ولی کوشش او بی نتیجه شد و تاجر به کارهای دیگر دست زد که یکی از آنها خبرنگاری و نویسندگی در مطبوعات بود و از همین راه بود که استعداد نویسندگی او ظاهر شد و بعد، آثار جلدانی در ادبیات کلاسیک امریکا باقی گذارد.

اما، از آنجا که آرزوی کار در کشتی و دریانوردی همچنان در دل او موج می‌زد، بالأخره به این مقصود رسید و رؤیای چندساله او به تحقق پیوست. یکی از رانندگان کشتی حاضر شد به او رانندگی کشتی را بیاموزد، به شرط آنکه وقتی که گواهینامه رانندگی گرفت و رسماً به عنوان راننده کشتی مشغول کار شد و حقوق دریافت کرد، ابتدا پانصد دلار به او، بابت حق‌التعلیم رانندگی، بپردازد.

بدین ترتیب، مارک تواین فن رانندگی کشتی را فراگرفت و مدت نسبتاً کوتاهی نیز در رود میسی‌سیپی به کشتی‌رانی مشغول شد. بعداً از طرفی، به واسطه پیشامد جنگ و، از طرف دیگر، به واسطه رواج و توسعه راه‌آهن، امور کشتی‌رانی در میسی‌سیپی از رونق افتاد و او ناچار شد کاری را که با آن شوق و حرارت به دنبالش رفته بود رها کند.

بیش از بیست سال از آن واقعه گذشت که او باز به یاد عهد دیرین و روزگار شیرین رواج کشتی‌رانی افتاد و آرزومند دیدار مجدد میسی‌سیپی و قصبات و شهرهای ساحلی آن و ملاقات یاران و همکاران قدیم شد. لذا بار سفر بست و یک نوبت دیگر سراسر این رودخانه بلند را پیمود و نقاط دیدنی کرانه‌های آن را بازدید کرد.

این بود مختصری از موضوع کتاب که مفصل آن فقط یک‌دهم صفحات آن را اشغال کرده است و بقیه‌اش صرف لطایف و داستان‌ها و حکایات کوتاه و شوخی‌هایی درباره موضوعات سیاسی و مذهبی و اجتماعی و غیره شده که مخصوص خود مارک تواین است.

او، در هر فصل این کتاب، اول راجع به موضوع مربوطه چند جمله‌ای به طور ساده، که خسته‌کننده نباشد، بیان کرده است، آن‌گاه به شرح داستانی شیرین و واقعه‌ای شگفت‌انگیز پرداخته که البته ارتباطی نیز با اصل موضوع دارد. ضمن مسافرت و سیاحت شهرها نیز همین روش را معمول داشته است. در جاهای مختلف به کسانی برخورد کرده است که برایش داستان‌هایی گفته‌اند یا سرگذشت‌هایی را شرح داده‌اند، یا خود او از دیدن فلان محل به یاد فلان واقعه عجیب افتاده است و با بیان آن شما را سرگرم می‌دارد.

عناوین بعضی فصول این کتاب نیز ممکن است خواننده را فراری دهد و او خیال کند که با مطالبی خشک و فنی و یا علمی برخورد خواهد کرد؛ حال

تواین در کتاب «عشق و امید» در مورد این موضوع بحث کرده است. او می‌گوید که در این کتاب، علاوه بر این که به این موضوع پرداخته است، در مورد این موضوع نیز بحث کرده است.

عنوان فصل دوازدهم این کتاب «عمق پیمایی» است. از این عنوان می‌تواند در دلربایی از دختری که مورد توجه هر دوی آنها بوده است، به یک کمدی عشقی است، راجع به کلاهی که همکارش سر او را برداشته است، در مورد توجه هر دوی آنها بوده است.

ضمن ترجمه این کتاب، با خود می‌گفتم ای کاش در ترجمه این کتاب و همچنین عناوین بسیاری از فصول کتاب را به گونه‌ای می‌تواند در این کتاب، در حقیقت، قسمتی از زندگی خود را شرح دهد. در این کتاب، در حقیقت، قسمتی از زندگی خود را شرح دهد. در این کتاب، در حقیقت، قسمتی از زندگی خود را شرح دهد. در این کتاب، در حقیقت، قسمتی از زندگی خود را شرح دهد. در این کتاب، در حقیقت، قسمتی از زندگی خود را شرح دهد.

ابوالقاسم حالت

۱۳۴۶/۴/۳۱